روزنامه شرق

چهارشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۸ • ۷ ذی‌القعده ۱۴۴۰ • ۱۰ جولای ۲۰۱۹

سال شانزدهم • شماره ۳۴۷۱ • ۱۶صفحه • ۴۰۰۰ تومان

در پی رحلت آیت‌الله حسینی‌شاهرودی

تسلیت مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی رحلت فقیه ربانی آیت‌الله سیدمحمد حسینی‌شاهرودی را تسلیت گفتند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است: «رحلت فقیه ربانی آیت‌الله آقای حاج سیّد...

صفحه ۲

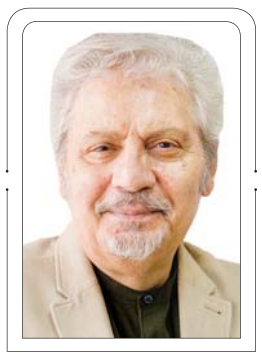

گفت‌وگو با سعید محبی درباره مرتضی کلانتریان و آثارش

سفر حقوق‌دان به ادبیات

گروه ادبیات: در سال‌های پرحادثه بعد از انقلاب، در میانه اوج بحران دعاوی ایران و امریکا و طرح هزاران شکایت، دفترِ خدمات حقوقی تأسیس شد؛ نهادی برای حل‌وفصلِ دعاوی بزرگ که دنبالِ آدم‌های متخصص می‌گشت...

صفحه ۸

مذاکره‌کنندگان اروپایی توافق سعدآباد

ترامپ همه‌چیز را دور انداخت

گفت‌وگو با مشاور وزیر خارجه: برد برای همه یا باخت برای همه

صفحه‌های ۳ و ۱۵

روایت فرمانده وقت لشکر سیدالشهدا از اتفاقات تیر ۷۸

سردار صفوی گفت خیابان جمهوری خط قرمز ماست

عکس: حامد ملکپور، تسنیم

صفحه ۲

شرق بررسی می‌کند

تحزب در ایران طرح کودتا اتهامی بی‌پاسخ

صفحه ۶

تیترها

توضیح سازمان امور اراضی درباره یک گزارش

صفحه ۵

«اصلح رأی‌آور» ایده آیت‌الله مصباح بود یا صادق محصولی؟

صفحه ۲

کانکس‌نشینی در تهران

صفحه ۵

رئیس بسیج زنان:

مردان نیز ملزم به رعایت حجاب هستند

صفحه ۱۳

سرمقاله

تبعات خوانش غلط از برجام

رضا نصری . حقوق‌دان بین‌المللی

وضع مجدد تحریم‌های یک‌جانبه دولت آمریکا علیه ایران موجب شد جریان‌های منتقد دولت در تهران خوانش غلط و تحریف‌شده‌ای از برجام را در سطح جامعه و رسانه‌ها ترویج و غالب کنند. امروز، عده‌ای به‌اشتباه بازگشت تحریم‌های آمریکا و معضلات اقتصادی متعاقب آن را «نتیجه» برجام می‌خوانند و براساس این ادعا برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجه کشور نسخه می‌پیچند. ترویج و غلبه این خوانش غلط و تحریف‌شده از برجام شاید در حوزه سیاست داخلی و انتخابات پیش‌روی مجلس برای منتقدان دولت فواید کوتاه‌مدتی دربر داشته باشد، اما نتیجه‌گیری‌های غلط از این خوانش قطعا برای آینده و منافع ملی کشور آسیب‌های جدی و پیامدهای خطرناک بلندمدتی نیز درپی خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین پیامدها این است که با نفی مطلق برجام و تجربه دیپلماسی با غرب، منتقدان دولت فضایی ایجاد می‌کنند که در آن تصمیم‌گیران کشور خود را ملزم ببینند حتی امتیازاتی را که دولت‌های اروپایی -به دلایل راهبری، سیاسی یا توازن قوا- به ایران پیشنهاد یا واگذار می‌کنند نیز به‌صورت خودکار پس بزنند و از آن تبری جویند؛ به عبارت دیگر، تحریف تجربه برجام و آسیب‌شناسی غلط از دلایل بازگشت تحریم‌های آمریکا باعث می‌شود سیاست‌گذاران کلان کشور، به‌جای اتخاذ سیاست «چماق و هویج» در برابر اروپا، یعنی به‌جای اتخاذ سیاستی که در آن به هر اقدام مثبت طرف مقابل با یک واکنش مثبت و به هر اقدام منفی او با یک واکنش منفی پاسخ داده می‌شود، سیاستی در پیش بگیرند که در هر حالت پاسخ ایران «منفی» و از نگاه طرف مقابل به «چماق» تعبیر شود! در واقع، فضایی که منتقدان -هر چند ناخودآگاه- درپی ایجاد آن هستند، فضایی است که در آن طرف مقابل نه‌تنها هیچ انگیزه و مشوقی برای برداشتن گام‌های مثبت به نفع ایران نخواهد داشت، بلکه در آن رقیب نیز می‌تواند -با تأکید بر رویکرد مطلقا قهرآمیز ایران- به‌تدریج برای ترویج ایران‌هراسی و اجماع‌سازی علیه کشور اقدام کند. در این راستا، شاید برخورد منتقدان دولت با پدیده «اینستکس» یکی از گویاترین مظاهر و مصادیق تفوق تدریجی چنین فضایی باشد. اینستکس معجزه نیست و دولت نیز به این سازوکار هیچ دلخوشی و چشمداشت خاصی برای ایجاد تحول بنیادین در وضعیت اقتصادی کشور ندارد. به ضرس قاطع می‌توان گفت برخلاف ادعای منتقدان، دولت روحانی به هیچ عنوان تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد اینستکس قرار نداده و هیچ طرح و برنامه‌ای را نیز معطل راه‌اندازی این سازوکار نکرده است. در واقع، همان‌طور که دستگاه دیپلماسی بارها تأکید کرده، دولت معتقد است اروپا در راه‌اندازی و استفاده از ظرفیت‌های اینستکس قصور و تعلل کرده و دلیل اصلی کاهش تدریجی تعهدات برجامی ایران نیز همین جنس قصور و تعلل از جانب طرف غربی توافق هسته‌ای بوده است. اما اینستکس، آن‌طور که منتقدان می‌گویند، «طرح استعماری اروپا»، «نقشه غرب برای کنترل و تصاحب پول نفت ایران»، «دسیسه مشترک اروپا و آمریکا علیه ایران» یا معادل «برنامه نفت در برابر غذا» هم نیست! برعکس، اینستکس آشکارترین و عینی‌ترین سند شکاف میان اروپا و آمریکا است؛ نخستین سازوکار بین‌المللی است که به‌صورت «عملی» قوانین فراسرزمینی آمریکا را به چالش می‌گیرد؛ اولین سازوکار چندجانبه‌ای است که تلاش می‌کند با مشارکت غرب و متحدان آمریکا، به انحصار «دلار» در معاملات جهانی پایان دهد...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

چهره عناد در شاهنامه

مهدی افشار

***قسمت اول این یادداشت چهارشنبه هفته گذشته در صفحه اول «شرق» منتشر شد.**

تراژدی در شاهنامه به کشته‌شدن سهراب به دست پدر یا کشته‌شدن سیاوش به فرمان افراسیاب محدود نمی‌شود؛ بلکه در جای‌جای شاهنامه که انسان‌ها را به خردگرایی و عقلانیت دعوت می‌کند، از فجایع و مصایبی سخن می‌گوید که ریشه در بی‌خردی دارد و یکی از بارزترین نمودهای بی‌خردی، لجاج و عناد است.

توس نماد بی‌خردی است که پیوسته عناد و لجاجت می‌ورزد و فاجعه‌ای می‌آفریند به دردناکی کشته‌شدن سیاوش، هرچند که کمتر به آن پرداخته شده است.

سیاوش در توران به توصیه مهرورزانه پیران‌ویسه با فرنگیس، دخت افراسیاب ازدواج می‌کند. با این اندیشه که از پیوند دو قوم ایرانی و تورانی، نهالی سر برآورد و کهن درختی سترگ شود که در سایه‌سار آن، دو قوم ایرانی و تورانی پس از سال‌ها نبرد و کین‌خواهی در کنار یکدیگر به صلح و دوستی زندگی کنند.آن‌گاه پیران‌ویسه که سیاوش را چون فرزند خویش دوست می‌دارد، دختر خویش، جریره را به همسری به سیاوش می‌سپارد و سیاوش از فرنگیس، صاحب کیخسرو و از جریره، صاحب فرود می‌شود.

چون کیخسرو بر اورنگ شهریاری تکیه می‌زند و آگاه می‌شود که دیگر بار تورانیان از مرز گذشته، دست به کشتار و غارت زده‌اند، به توس فرمان می‌دهد دشمن متجاوز را سرکوب کند و توس قبل از عزیمت، سپاه را به حضور کیخسرو می‌آورد.

کیخسرو چون از سپاه سان می‌بیند، فرماندهان رده‌بالای سپاه را به حضور طلبیده، به آنان یادآور می‌شود توس فرمانده کل سپاه و صاحب درفش کاویانی است و تنها از او فرمان برید.

و آنگاه توس را خطاب قرار می‌دهد:

بدو گفت مگذر ز پیمان من
نگه دار آیین و فرمان من

و سفارش می‌کند چون سپاه، راهی مرز می‌شود، مبادا به مسیر کلات به‌هیچ‌روی گام بگذارد که اگر چنین کند همه تلاشی که صورت گرفته، باطل و بیهوده شده، روان سیاوش در آن جهان دیگر آزرده خواهد شد.

نباید نمودن به بی‌رنج، رنج
که بر کس نماند سرای سپنج
گذر از کلات ایچ گونه مکن
گر آن ره رَوی خام گردد سخن
روان سیاوش چو خورشید باد
بدان گیتی‌اش جای امید باد

کیخسرو به توس گوشزد می‌کند از دختر پیران‌ویسه، همسر سیاوش برادری به نام فرود دارد که از نظر خصوصیات ظاهری و فراتر، از نظر صفات اخلاقی با سیاوش یکسان و رزمنده‌ای دلاور و بی‌باک است و او اکنون با مادرش در کلات اقامت دارد و از ایرانیان کسی را نمی‌شناسد؛ به‌همین‌روی نباید بی‌احتیاطی کرده، از آن مسیر گذر کند که امکان درگیری وجود دارد.

توس در پاسخ به خسرو می‌گوید: «از فرمان تو روی نخواهم تافت، از همان راهی می‌روم که تو فرمان دهی».

سپاه توس منزل به منزل پیش می‌رود تا به آن دوراهی می‌رسد که از یک سوی بیابان بی‌آب‌وعلف و از سوی دیگر راهِ هموار کلات است.

توس تصمیم می‌گیرد از راه کلات رود که به موازات رودخانه است؛ هرچند که شهریار به تأکید از او خواسته بود به آن مسیر گام نگذارد؛ ولی طبع لجوج و عنود توس، با خرد همساز و جفت نیست.

از دیگرسوی فرود آگاه می‌شود که سپاه ایران در مسیر کلات عزم جنگ با افراسیاب دارد، برای آنکه آسیبی به مردم کلات وارد نیاید، فرمان می‌دهد همه اسبان و گوسپندان را به سپد کوه برده، در حصارگاه جای دهند.

فرود به نزد مادر خود، جریره می‌رود و از او می‌پرسد از میان ایرانیان باید با چه کسی سخن بگوید تا با آنان متحد شده و انتقام خون پدر را بگیرد. جریره به او می‌گوید تخوار همه سرداران ایرانی را از نزدیک می‌شناسد و آنان را به او معرفی خواهد کرد.

فرود از دژ خارج شده، از آن فراز به تماشای سپاه انبوه ایران می‌پردازد و سپس به دژ بازگشته، سوار بر اسبی تیزتک شده، همراه با تخوار به تماشای سپاه می‌ایستد.

اما وقتی نابخردی جای خرد بنشیند، بخت آدمی نیز باژگونه می‌شود و جوان دلیری که عزم پیوستن به سپاه پدر را داشت، در برابر آن سپاه قرار می‌گیرد.

تخوار یک‌به‌یک فرماندهان را به او معرفی می‌کند.

در این هنگام توس متوجه دو نفر بر فراز کوه می‌شود، دیگ طبیعت لجوج و معاند او جوشیدن می‌گیرد و فرمان می‌دهد کسی برود و ببیند این دو نفر که هستند؛ اگر ایرانی‌اند، تازیانه بر سرشان زده، به نزد او آورند و اگر ترک هستند و برای نبرد آمده‌اند، آنان را به بند کشند و به اینجا آورند.

بهرام داوطلب می‌شود که برود و آن دو را شناسایی کند. فرود از تخوار می‌پرسد این شخص کیست که به نزد آنان می‌آید. تخوار در پاسخ می‌گوید: «تصور می‌کنم از گودرزیان باشد» و چون بهرام به فراز کوه می‌آید، با خشم می‌پرسد: «شما که هستید که در اینجا ایستاده‌اید و سپاه ایران را به نظاره گرفته‌اید؟». فرود به نرمی می‌گوید: «وقتی خشونت ندیده‌ای، چرا سخن به خشونت و تندی می‌گویی؟ به نرمی سخن بگوی. می‌خواهم بدانم فرمانده این سپاه کیست که دارای درفش کاویانی است. بر آنم تا با پهلوانان برادرم، خسرو آشنا شوم». و چون بهرام نام پهلوانان را یک‌به‌یک بر زبان می‌آورد، فرود از او می‌پرسد: «پس بهرام کجاست که ما گودرزیان را بسیار دوست می‌داریم؛ زیرا گیو گودرز بود که برادرم را به ایران بازگرداند».

بهرام شادمان از دیدار فرود می‌گوید: «بسیار خرسندم از دیدار ثمره و میوه آن درخت خسروانی».

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

رشد ۲/۵ برابری اقتصاد دیجیتال

رسول سرابیان*

کمتر کشوری را در جهان می‌توان پیدا کرد که تحول و اقتصاد دیجیتال جزء سه اولویت راهبردی آن نباشد. نگاهی به اعداد و ارقام در این زمینه می‌تواند نقش و جایگاه این اولویت را در آینده کشورها به‌خوبی نشان دهد. براساس گزارش سال ۲۰۱۷ آکسفورد اکونومیست، سهم اقتصاد دیجیتال با نرخ رشد ۲.۵ برابری نسبت به اقتصاد سنتی در سال ۲۰۱۶ به ۱۶ درصد اقتصاد جهان رسیده است و پیش‌بینی می‌شود این سهم در سال ۲۰۲۵ به ۲۴.۳ درصد برسد که معادل ۲۳ هزار میلیارد دلار است. از مهم‌ترین دلایل این نرخ رشد تأثیرات گسترده و نفوذ روزافزون فناوری اطلاعات و دیجیتالایزه‌شدن صنایع مختلف و نرخ بازگشت سرمایه ۶.۷ برابری اقتصاد دیجیتال نسبت به اقتصاد سنتی است که موجب شده سرمایه‌گذاری در این حوزه را برای سرمایه‌گذاران جذاب کند.با توجه به اهمیت و جایگاه موضوع، بسیاری از کشورها نسبت به تدوین سند تحول و اقتصاد دیجیتال خود اقدام کرده و اهداف روشن و مشخصی برای دوره‌های زمانی سه تا پنج ساله تدوین کرده‌اند. مهم‌ترین شاخصی که برای نشان‌دادن وضعیت و جایگاه کشورها از آن استفاده می‌شود، سهم اقتصاد دیجیتال از کل اقتصاد هر کشور است که امیدواریم این اسناد برای کشور نیز هرچه زودتر تهیه و رسما اعلام شود.

ادامه در صفحه ۴

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت، معدن و تجارت

فراخوان حضور در نخستین نمایشگاه فرصت‌های ساخت داخل و رونق تولید

پویش ملی نهضت ساخت داخل

هدف: رونق تولید و داخلی سازی نیازهای صنایع کشور

حوزه‌های صنایع خودرو و قطعات | صنایع معدنی فلزی و غیر فلزی | لوازم خانگی | صنایع دریایی | مخابرات | نفت و گاز و پتروشیمی

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

زمان: ۲۷ الی ۳۰ تیرماه ۹۸
مکان: نمایشگاه بین‌المللی تهران

اطلاعات بیشتر و ثبت نام در نمایشگاه از طریق
TAVANIRAN.IDRO.IR